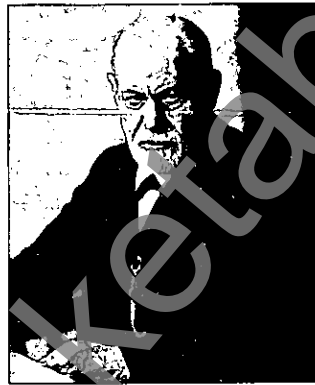




ضمیر ناآگاه



دکتر زیگموند فروید

۱۸۵۶ - ۱۹۳۹



سرشناسه	: فروید، زیگموند، ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م. Freud, Sigmund
عنوان و نام پدیدآور	: ضمیر ناآگاه / زیگموند فروید؛ مترجمان علی فولادین، آرین مرادزاده، سیدحسین مجتهدی
مشخصات نشر	: تهران: موسسه پژوهش هنر و اندیشه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ص: مصور.
فروست	: روانشناسی؛ ۴.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۹۰-۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: این کتاب ترجمه مقاله "Das Unbewusste" تألیف زیگموند فروید است.
موضوع	: ناخودآگاهی
موضوع	: روانکاوی
شناسه افزوده	: فولادین، علی، ۱۳۲۷ - ، مترجم
شناسه افزوده	: مرادزاده، آرین، ۱۳۳۵ - ، مترجم
شناسه افزوده	: مجتهدی، حسین، ۱۳۵۰ - ، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ض ۸/ف/۱۵ BFT
رده بندی دیویی	: ۱۵۴/۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۹۳۴۰۲



ضمیمه ناگذاشته

نوشته‌ی زیگموند فروید

مترجمان: دکتر علی فولادین، آرین مرادزاده، دکتر سید حسین مجتهدی

چاپ اول، ۱۳۹۲

مدیر هنری	مهندس حمید کریمی
طراح جلد	محبوبه مرادی
حروفچین	آلاله صادق‌پور
چاپ	معرفت
صحافی	ایران هنر
با همکاری	مرکز خدمات روانشناسی سیاووشان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

کلیه حقوق متعلق به «پژواک هنر و اندیشه» و محفوظ است

تهران، خیابان آیت‌الله کاشانی، خیابان نیرو، پلاک ۱، واحد ۲۲

۴۴۰۴۸۹۴۹ - ۴۴۰۴۸۹۵۹ روابط عمومی ۲۲۰۲۸۶۷۲

www.aramesh.net

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	ضمیر ناآگاه
۱۵	توجیه ضمیر ناآگاه
۲۳	چند معنایی ضمیر ناآگاه و دیدگاه جایگاه‌شناسانه
۲۹	احساس‌های ناآگاهانه
۳۵	گفتار مایه و پوشش پس‌رانش
۴۵	چگونگی‌های ویژه‌ی نظام ضمیر ناآگاه
۵۱	آمیزش هر دو نظام
۵۹	به رسمیت شناختن ضمیر ناآگاه

دیباچه‌ی ناشر

کیست این پنهان مرا در جان و تن
کز زبان من همی گوید سخن

تاریخ تحلیلی تحول اندیشه‌ی بشری، گواه آن است که نظریه‌ی روان‌کاوی یکی از تأثیر گذارترین نظریه‌ها بر دانش روان‌شناسی و رشته‌های در تعامل با آن چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، هنر، ادبیات، فلسفه، تاریخ و... می‌باشد. از سوی دیگر چنان‌چه بخواهیم محوری‌ترین یافته‌ی علمی بنیان‌گذار روان‌کاوی، زیگموند فروید، را نام ببریم، بی‌کمان مفهوم «ضمیر ناآگاه» است، که یکی از افق‌گشای‌ترین یافته‌های روان‌کاوی است، چه روان‌پژوهان را برای شناختی ژرف‌تر و کارآتر از ساختار روان‌انسان، بسیار یاری‌گر بوده است. مهم‌ترین نوشتار فروید در راستای تبیین دقیق و عالمانه‌ی این مفهوم؛ مقاله‌ی «ضمیر ناآگاه» (۱۹۱۵) می‌باشد، که اکنون برای نخستین بار ترجمه‌ی فارسی این اثر از زبان اصلی‌اش، آلمانی، در اختیار دانش‌پژوهان و مشتاقان روان‌کاوی قرار می‌گیرد.

پیش از هر چیز، شایسته و ضروری است از مترجمان فرهیخته و صاحب‌نظر این اثر، که با اشراف به موضوع و تسلط بر زبان و ادبیات

آلمانی، مسئولانه و با امانتداری در خور نسبت به اصالت متن، به ارایه‌ی ترجمه‌ی فاخری از این مقاله‌ی تاریخی به مخاطبان فارسی زبان همت گماشتند، قدرشناسانه سپاسگزاری گردد:

جناب آقای دکتر علی فولادین (روان‌کاو، عضو مؤسس کالج روان‌کاوی آلمان، دانش‌آموخته‌ی روان‌شناسی بالینی و روان‌کاوی دانشگاه برمن آلمان و مکتب روان‌کاوی زیگموند فروید برلین)
جناب آقای آرین مرادزاده (دانش‌آموخته‌ی حقوق و فلسفه‌ی غرب در ایران، کانادا و آلمان)

جناب آقای دکتر سیدحسین مجتهدی (روان‌کاو، مدرس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانش‌آموخته‌ی روان‌شناسی بالینی و روان‌کاوی دانشگاه‌های تهران و هامبورگ و کالج روان‌کاوی آلمان، عضو گروه روان‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)
اما پیش از ورود به متن اصلی ترجمه، توجه خوانندگان گرانقدر را به نکاتی درخصوص این ترجمه جلب می‌کنم:

نخست آن‌که برای به بارنشستن این ترجمه، هر سه مترجم ارجمند، بر مبنای متن آلمانی، پیوسته در تعامل با یکدیگر از جهت انتقال مفهوم با ساختاری وفادار به متن و نیز فضای ادبی نوشتارهای فروید، به صورت مشترک ترجمه را انجام داده‌اند و کوشیده‌اند سه مسأله را تا حد امکان بطور هم‌زمان مراعات نمایند: انتقال درست محتوا، وفاداری به متن و نگاهداری فضای ادبی متون فرویدی. جهت انتخاب برابر نهادها با مطابقت دادن متن اصلی با متن انگلیسی، اصطلاح‌های برگزیده‌ی گروه روان‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، فرهنگ‌های موجود روان‌شناسی و علوم انسانی که دکتر محمدتقی براهنی و همکاران، داریوش آشوری و دکتر دادستان و همکاران نگاشته‌اند، مورد رجوع

قرار گرفتند.

اما جایی که برداشت می‌شده اصطلاح‌های موجود، تابِ وزنِ معنایی را در بافتار کلامی فرویدی ندارند، و یا ترجمه‌ی انگلیسی آن و در پی آن ترجمه‌ی فارسی، تقلیل‌گرایانه یا حتی اشتباه بوده است، و یا آن‌که تخصصی‌تر از آن بوده است که در فرهنگ‌ها آورده شود، با ریزنی و هم اندیشی، برابرنهادی را برمی‌گزینند که برای هریک دلایل زبان‌شناسانه از جهت ساخت واژه و روان‌کاوانه از جهت بارِ محتوایی واژه وجود دارد. البته در مورد واژگان Subjekt و Objekt، چون برابرنهادی که بتواند بار معنایی این دو اصطلاح را به دوش کشد، یافت نشد، تلفظ فرانسوی آن‌ها که در فارسی متداول است، یعنی سوژه و اُبژه آورده گردید. واژه‌ی Libido نیز به دلایل یادشده، خودش با نگارش فارسی، یعنی لیبدو به کار رفت.

نکته‌ی دوم آن‌که در بین ترجمه‌های متون روان‌کاوی به فارسی، غالب مترجمان یا شارحان از متن‌های انگلیسی و فرانسه استفاده کرده‌اند. جدا از آن‌که ترجمه‌ی ترجمه، خود، متن را از خواننده دورتر می‌سازد، بسیاری اوقات، غلط‌های فاحش مترجمان انگلیسی و فرانسوی نیز به فارسی منتقل گردیده است، که شرح آن از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. فقط به عنوان مثال می‌توان به ترجمه‌ی انگلیسی همین مقاله‌ی فروید، که نشریه‌ای معتبر نیز آن را انتشار داده، اشاره داشت، که چند فصل مهم از آن حذف گردیده است.

نکته‌ی سوم آن است که بسیاری از مترجمان متون روان‌کاوی، خود، روان‌کاو نیستند و عدم اشراف آن‌ها به مبانی نظری و عملی روان‌کاوی موجب گردیده است در انتقال مفاهیم ناکام بمانند. از دیگر سو برخی که خود را روان‌کاو می‌دانند و با نگاهی ارباب‌مآبانه و ارباب‌گرایانه،

پیوسته در نفی دیگری هستند، هرگز ارایه‌ای از متونی نوشتاری پیرامون روان‌کاوی نداشته‌اند، تا محک تجربه به میان آید. بعضی نیز با متون تقلیل‌گرایانه‌ای که بیشتر از منابع آمریکایی بوده، یا بر مبنای نظریه‌های برخی پسا‌فرویدی‌ها و یا حتی شبه‌روان‌کاوانی که جایگاه علمی در خوری نداشته‌اند، سعی در «وجه‌یابی علمی» دارند و طبیعی است که نتوانند در این عرصه اثرگذار شوند.

چهارم آن که زبان آلمانی، کلید فهم روان‌کاوی کلاسیک است، همان طور که زبان فارسی در ایران‌شناسی یا عربی در اسلام‌شناسی کلیدی است، و روان‌کاوی کلاسیک فرویدی در چهره‌ی فهم شاخه‌های دیگر این نظریه است. از این روی، متن آلمانی مادر، مبنای این ترجمه قرار گرفته است و مترجمان اثر، با حذف امکان بدان وفادار مانده‌اند و اگر در جایی که به قرینه‌ی لفظی یا معنوی واژگانی نیامده بوده، که نبودشان در ترجمه‌ی فارسی می‌توانسته به فهم بهتر متن لطمه زند، آن واژه را در [] آورده‌اند، که البته چنین مواردی زیاد نبوده است. اگر هم در جایی احساس می‌شود که متن سنگین است، یکی به لحاظ موضوعی و پیچیدگی‌های ذاتی آن است، که زمینه‌ای از آشنایی با روان‌کاوی را نیاز دارد و مانند هر متن تخصصی دیگری در هر حیطه‌ی علمی، نمی‌توان تفریحی و تفننی با آن برخورد کرد و دیگر آن که فخامت زبان نوشتاری فروید و ادبیات متون او نیز در این مسأله بی‌تأثیر نبوده است.

بدیهی است این، گام نخست است و به هیچ روی مدعی بی‌نقص بودن آن نیستیم و صمیمانه از نقدها و نظرهای متخصصان و صاحب‌نظران استقبال می‌کنیم.

دکتر علیرضا ناصری

مدیر مسئول انتشارات پژواک هنر و اندیشه

ضمیمه ناآگاه^۱

ما از طریق روان‌کاوی^۲ دریافته‌ایم، اساس فرآیندهای پس‌رانش^۳ بر این استوار نیست که یک تصوّر^۴ بازمانی^۵ را بر گرفته، نابود نماید، بلکه آن را از آگاه‌شدگی باز دارد. از این روی می‌گوییم که آن خود را در وضعیت ناآگاه می‌یابد، و ما گواهی‌های خوبی در این باره داریم که

1- (das) Unbewusste (de.) = the unconscious (engl.)

2- Psychoanalyse (de.) = Psychoanalysis (engl.)

شادروان دکتر علی اکبر سیاسی برای نخستین بار این برابر نهاد را در زبان فارسی به کار برد و ما نیز برای این واژه‌ی تخصصی، «روان‌کاوی» را برابر نهاد مناسبی یافتیم چرا که در لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل کلمه‌ی کاویدن، معنای جستجو کردن آمده است و از کلمات سعادت امام محمد غزالی شاهد مثال آورده شده است: «اما حقیقت روح گویی چه چیز است و صنعت خاص وی چیست؟ شریعت رخصت نداده است از وی کاویدن». هم‌چنین کاویدن را هم معنای کافتن ذکر کرده که مجازاً به معنای به غور مطلبی رسیدن و نیک دقت کردن می‌باشد و از فردوسی شاهد مثال این معنا می‌باشد: «که او در سخن موی کافد همی / به تاریکی اندر شکافد همی».

3- (die) Verdrängung (de.) = Repression (engl.)

4- (die) Vorstellung (de.)

5- Repräsentierte

6- (der) Trieb (de.) = Drive (engl.)

ارایه می‌دهیم، که آن نیز به گونه‌ای ناآگاهانه اثربخشی‌هایی را می‌تواند بروز دهد، و آن‌چه که نیز سرانجام به آگاهی می‌انجامد.

هر آن‌چه پس‌رانده است، باید ناآگاه بماند، اما ما در همین ورود به سخن می‌خواهیم مشخص کنیم که پس‌رانده، تمام ناآگاه را زیر پوشش نمی‌گیرد. ضمیر ناآگاه دامنه‌ای گسترده دارد؛ پس‌رانده پاره‌ای از ضمیر ناآگاه است. چگونه می‌بایست به دانستگی ضمیر ناآگاه دست یابیم؟ ما آن را به طور معمول فقط به گونه‌ی ضمیر آگاه می‌شناسیم، [آن‌هم] پس از آن‌که جابجایی یا ترجمه‌ای را در ضمیر آگاه تجربه کرده است. کار روان‌کاوانه‌ی همه روزه می‌گذارد تا تجربه کنیم که چنین ترجمه‌ای امکان‌پذیر است. این نیازمند آن است که «تحلیل‌شده» بر میزانی از مقاومت‌ها چیره شود، همان مقاومت‌هایی که ناآگاه را در زمان خود از راه واپس‌زدگی از ضمیر آگاه به یک پس‌رانده تبدیل‌اش ساخته است.